دیگر راهی شرافتمندانه برای زندگی در جامعه نمی‌بینیم!

مژگان –ز

زهرا تازه ۱۶ ساله شده بود که به قصد جداشدن از خانواده مذهبی و متعصب‌اش که هرگز اجازه تنها به خیابان‌رفتن، آرایش‌کردن، معاشرت با دوستان و هم‌کلاسی‌ها، گوش‌کردن به موزیک و غیره را که در واقع جزیی از زندگی نوجوانی است را به او نمی‌دادند، پا آمدن اولین خواستگارش، تن به ازدواج داد. زهرا بدون اطلاع از بیماری روحی شوهرش به خانه او رفت. هنگامی که ۱۷ ساله شد، خود را مادر یک بچه و همسر مردی بیمار دید. شوهرش به دلیل بیماری، شغل خود را از دست داد و بدین ترتیب تنها نان‌آور خانه‌اش با او در خانه ماند. او برای امرار و معاش خود و خانواده‌اش مجبور شد تنها اتاق خواب خانه‌شان را به آرایشگاه زنانه تبدیل کند و بدین طریق به کار آرایشگری مشغول شد. اما اختلاف با شوهر و دخالت‌های بی‌مورد خانواده همسرش، صبر و تحمل او را روز به روز کمتر و کمتر می‌کرد. تا این که برای نجات خود و کودکش به فکر جدایی افتاد.

زهرا شنیده بود که چنانچه بتواند بیماری روحی و روانی شوهرش را در دادگاه اثبات کند، موفق به اخذ طلاق خواهد شد. اما او چگونه می‌توانست مدارکی دال بر بیماری همسرش تهیه کند؟ در واقع همه چیز توسط خانواده همسرش پنهان شده بود. با تقاضای طلاق و تشکیل پرونده، قدم به دریایی از مشکلات و موانع حقوقی و مدنی گذاشت. هر روز بیش از پیش قوانین مدنی را بر علیه خود به عنوان زن و به نفع مردان می‌دید. در آخر بعد از ماه‌ها تحمل تحقیر و بی‌حرمتی در اتاق‌های دادگاه، با بخشیدن مهریه وکلیه حقوق خود، موفق به گرفتن طلاق و حق حضانت فرزند خودسالش شد.

او به عنوان زن جوان و بی‌سرپناه، رانده‌شده از سوی جامعه و قوانین‌اش و نیز مردمی که او را پلندپرواز و زیاده‌خواه می‌خواندند و نیز پدر و مادری که داغ ننگ را بر پیشانی خود می‌دید، بدون مدرک تحصیلی (دیپلم) برای امرار و معاش و یافتن سرپناهی برای خود و کودک خردسالش به دنبال کار بود. برای کار در کارگاه‌ها و کارخانجات و خانه‌ها و... مراجعه می‌کرد اما با موانعی چون داشتن حداقل مدرک دیپلم یا ضمانت یک فرد «معتبر» روبرو می‌شد. در ایران زنان در مقایسه با مردان در مشاغل معدودی می‌توانند به کار بپردازند. بعد از مدت‌ها جستجو، بالاخره در یک سالن آرایشگاه زنانه به عنوان شاگرد ساده استخدام شد. متاسفانه حقوق ناچیزش جوابگوی اجاره‌خانه و هزینه خانواده دو نفره او را نمی‌داد. به چندین ارگان دولتی به منظور درخواست کمک مالی برای حمایت از خود و فرزندش مراجعه کرد. کمیته امداد بعد از بارها مراجعه زهرا، بالاخره با پرداخت پنج‌هزار تومان در ماه به او موافقت کرد. مشکلات مالی، برخوردهای نادرست مردم و اطرافیان او را بیش از پیش منزوی و تنها کرده بود و نیز عدم حمایت دولت و قانون روز به روز زهرا را در یافتن راه حلی برای بیرون آمدن از این گرداب مصمم‌تر می‌کرد.

اما گویا روزگار با او سر ناسازگاری گذاشته بود. او برای گذران زندگی به تن‌فروشی روی آورد. زیرا دیگر راهی برایش باقی نمانده بود. مشتری‌ها از طریق تلفن دستی (موبایل) با او تماس می‌گرفتند. زهرا دیگر زمان کمی به کار در آرایشگاه اختصاص می‌داد. زیرا می‌بایست به خانه مشتری‌ها می‌رفت. به یک عبارت کار در آرایشگاه را به عنوان توجیهی برای خروج از خانه و کسب درآمد حفظ کرده بود. از طرفی فرزند پسرش که روز به روز بزرگتر می‌شد، نمی‌بایست از واقعیت زندگی مادرش باخبر شود.

امروز دیگر زهرا به صورت روزانه مشتری ندارد زیرا جدیدا «رفیق شخصی» مردی پولدار و خوش‌گذران شده است. این مرد به صورت ماهانه به او حقوق پرداخت می‌کند. در عوض مرد هر وقت که اراده‌کند زهرا می‌بایست خود را کاملا در اختیار او قرار دهد. و زهرا امروز این چنین گذران زندگی می‌کند. به راستی چه تعداد زهراها در ایران، برای گذران زندگی خود به تن‌فروشی کشیده می‌شوند؟ ▣

برای هر ترانه باید جداگانه مجوز گرفت!

در هفته گذشته سیمین غانم خواننده ایرانی طی چهار روز در تالار رودکی در بین زنان و دختران جوان ایرانی به اجرای ترانه‌هایی که اجازه داشت پرداخت.

برگزارکننده کنسرت بنیاد خیریهٔ فیروزنیا بود و قرار بود که بنیاد خیریهٔ بهنام دهش‌پور هم در روز چهارشنبه همین کنسرت را به نفع کودکان سرطانی برگزار کند.

در این مراسم سیمین غانم بر خلاف اصرار تماشاچیان، چون اجازه نداشت، حاضر به خواندن ترانه «مرد من» نشد و در انتها در پاسخ به پرسش خبرنگاران در مورد علت عدم دریافت مجوز برای «مرد من» گفت که از دیدگاه او این شعر هیچ نکته غیر اخلاقی ندارد و نمی‌داند که بر اساس چه برداشتی موفق به کسب مجوز نشده است.

بسیار جای تاسف است که خانم غانم به مانند بسیاری از هنرمندان و نویسندگان کشور ما ناچار به کسب اجازه برای خواندن است. و این امر را طبیعی تلقی می‌کند.

حدود هشت سالی است که کنسرتهای زنانه در پشت درهای بسته برگزار می‌شود و از آن زمان تاکنون شرایط جامعه به گونه‌ای متحول شده که بنیادهای خیریه برای کسب درآمدهای هنگفت و طبیعتا شریک‌کردن برخی از مسئولین مملکتی، امکان برگزاری این کنسرتها را دارند.

هر چند خانم غانم نمی‌داند چرا این ترانه مجوز نگرفته و شعر را در یک ترانه عاشقانه خلاصه کرده ولی من به راحتی می‌توانم تصور کنم که چرا چنین ترانه‌ای اجازه نگرفته است. چهره‌های ممیزان مردی را که دور میز نشسته تصور کنید. به صدای رسا و قوی زنی گوش می‌دهند. که عشق به مردش را فریاد می‌زند. بعد به اشعار دقت می‌کنند. به صفات معشوق توجه می‌کنند. مردی از تبار عاشقان که در درونش خون شقایق جاری است. مردی سوخته و بی‌رمق و چون کوه خسته. به خود نگاهی می‌اندازند هیچ شباهتی نمی‌بینند. باز گوش فرا می‌دهند. مرد از تباری است که داغ عاشقان دلشکسته را با خود دارد. زن از مرد می‌خواهد که سرش را بر شانه‌های او بگذارد تا خود را به عنوان تکیه‌گاه مرد باور کند. در اینجا بار دیگر ممیزان قلم بدست یادداشت می‌کنند. خلاف شرع. مگر می‌شود؟ هموار، مرد ستون و تکیه‌گاه خانه بوده! یکی از آنها اعلام می‌کند که مجوز داده نمی‌شود، ولی به اصرار یکی از ممیزان که خود ترانه را دوست دارد و امید به کسب مجوز داشت می‌نشیند. و به ادامه ترانه گوش فرا می‌دهند:

برهنه از لباس غصه‌های دور و دیرین، بذار بوسه‌های من برات تن پوش باشه
تو با شعر اومدی عاشقتر از عشق، چراغی با تو بود از جنس خورشید
کدوم طوفان چراغو زد روی سنگ که کتاب شعرو از دست تو دزدید

در اینجا ممیزی خشمگین بر می‌خیزد، فریاد می‌زند هنوز نفهمیدید؟

هنوز صدای زن قطع نشده، فریادش تا مغز استخوان فرو می‌رود.

کدوم شحنه از این کوچه گذر کرد کدوم پائیز زمستونو خیر کرد
صدای نوار خاموش می‌شود.

سخن از تبار دیگری بود و طوفانی که این تبار را سوزاند. و فریاد زن عاشقی که می‌خواست تکیه‌گاه‌بودن خود را باور کند.

چه بسیار باز جویان و شکنجه‌گرانی که با رشک عشق و وفاداری همسران زندانیان سیاسی را نظاره می‌کردند.

تعجب خانم غانم از همراهی و آشنایی دختران جوان با تر انه‌هایش. ناشی از قطع ارتباط و ممنوع‌التصاب‌بودن خوانندگان زن در ۲۳ سال گذشته است. ▣

امام جمعه اصفهان:

اجرای احکام اسلام زوری است و در مورد آن‌ها آزادی مفهومی ندارد

نماینده ولی فقیه و امام جمعه اصفهان گفت: کارگزاران حکومت باید برای دیگران الگو باشند و اگر کسی قوانین اسلام را در ادارات رعایت نکرد، این حق وجود دارد که او را اخراج کنند. به گزارش ایرنا یوسف طباطبایی در این خطبه‌ها گفت دستگاه قضایی باید با رعایت‌نکردن قوانین در ادارت برخورد کند. وی اضافه کرد اگر کسی در اسلام نام‌نویسی کرد باید همه قوانین آن را اجرا کند در اینجا زور هم هست. وی گفت در اینجا آزادی معنا ندارد، رعایت حجاب، ادای نماز و روزه و سایر احکام در اسلام الزام آور و اجرای آن زوری است و در این جا آزادی نیست.

امام جمعه اصفهان البته توضیح نداد که آیا مردم خودشان «در اسلام نام‌نویسی کرده‌اند» و یا اگر کسی بخواهد از این «نام‌نویسی» بیرون بیاید با وجود حکم «ارتداد» و واجب‌القتل بودن چه باید کند. ▣

اخراج دیپلمات‌های ایران و سوئد از دو کشور

پس از اخراج یک دیپلمات ایرانی از سوئد، که به اتهام تلاش برای خریداری مواد مورد استفاده در ساخت جنگ‌افزار اتخاذ شد، دولت ایران نیز یک دیپلمات سوئدی را اخراج کرد.

دیپلمات اخراجی ایرانی کارمند بخش بازرگانی سفارت ایران در استکهلم بوده است. مقامات سوئد او را متهم کرده‌اند. مکرر در صدد برآمده بود تا موادی را با «کاربرد دوگانه» خریداری کند. این نوع مواد قابل استفاده در تولید جنگ‌افزارهای کشتار جمعی است. مقامات جمهوری اسلامی به این تصمیم دولت سوئد اعتراض کردند ولی دولت سوئد در تصمیم خود تجدید نظر نکرده است. در مقابل دولت ایران نیز به یک کارمند سفارت سوئد در تهران دستور داده است این کشور را ترک کند و به وی هشت روز مهلت داده شد تا به کشور خود باز گردد.

مطبوعات ایران در این هفته دولت سوئد را متهم کردند به مخالفان تندرو در آن کشور اجازه فعالیت داده است که به روابط دوجانبه آسیب می‌رساند. در خلال دوازده سال گذشته روابط دیپلماتیک دو کشور ایران و سوئد در چهار مورد به تیرگی گرائیده است. از جمله یک بار در این مورد که دیپلمات‌های ایران در جاسوسی علیه مخالفان رژیم در سوئد دست داشته‌اند، این روابط تیره شد. به گفته بی بی سی در عین حال اتحادیه اروپا یک رشته مذاکرات جامع را با جمهوری اسلامی آغاز کرده است. اتحادیه اروپا گفته است این مذاکرات در ارتباط با نگرانی‌های اتحادیه در زمینه‌های مانند برنامه‌های جمهوری اسلامی برای دست‌یابی به تسلیحات کشتار جمعی، وضعیت حقوق بشر در ایران، تروریسم و روند صلح خاورمیانه صورت خواهد گرفت. ▣

درگیری ارگان‌ها بر سر تملک زمین در تهران

سپاه و شهرداری با هم درگیر شدند

نیروی زمینی سپاه پاسداران بر سر قطعه زمینی در جنوب تهران روز ۲۹ مهر با با ماموران شهرداری این شهر درگیر شده و تعدادی از ماموران شهرداری را بازداشت کردند. با بالارفتن قیمت زمین‌ها در تهران، تصرفات غیرقانونی ارگان‌های نظامی و انتظامی تشدید شده است. این تصرفات که بدون توجه به نقشه شهر و یا فضای سبز و یا قدمت فرهنگی بناها صورت می‌گیرد، از زمین‌ها به منظور خانه‌سازی استفاده شده و سودهای کلانی را نصیب این ارگان‌ها می‌کند.

به‌گزارش ایرنا دعوا بر سر قطعه زمینی است که شرکت «عمرانی نیروی زمینی سپاه» به نشانه مالکیت بر آن از مدت‌ها قبل دور آن حصار کشیده اما شهرداری منطقه ۲۲ با مراجعه به مراجع قضایی موفق شد از دادگاه حکم تخلیه زمین را به نفع خود کسب کند. ماموران شهرداری – با حکم قضایی و به همراه ماموران انتظامی به محل رفته حصارهای سپاه را برچیدند. در این میان ماموران سپاه با ماموران شهرداری درگیر شده و آن‌ها را بازداشت کردند.

تصرف زمین‌ها توسط نیروهای نظامی و از جمله سپاه اکنون در برخی نقاط بالا گرفته است. اخیرا برخی نمایندگان مجلس نیز تصرفات غیرقانونی نیروهای نظامی و انتظامی را محکوم کردند. این نمایندگان این قبیل تصرفات را مغایر با منافع عموم و تهدیدی برای اجرای اصولی طرح‌های شهرداری دانستند.

در درگیری‌هایی که بر سر تملک زمین و بناها بین نیروی نظام و سپاه از یک سو و نیروهای شهرداری از سوی دیگر درمی‌آید، نیروی نظای حتی به حکم‌های قضایی نیز وقعی نمی‌نهند و در برخی نقاط که نرخ زمین و ساختمان بسیار بالا است، متصرفین با تمام قوا تلاش می‌کنند زمین را در تملک خود نگه دارند و حتی این امر باعث عدم تحقق برخی پروژه‌های راه‌سازی و غیره نیز می‌شود. چندی قبل نیروی بسیج وابسته به سپاه، بخشی از محوطه کاخ احمدشاهی در شمال تهران را تصرف کرد و به انجام کارهای ساختمانی پرداخت. ایجاد ساختمان در این کاخ که یکی از آثار فرهنگی محسوب می‌شود، موجب اعتراضات بسیاری محافل فرهنگی شد و سازمان حفاظت از آثار باستانی نیز به آن اعتراض کرد. ولی هیچ‌کدام از این موانع ادامه تملک سپاه بر این زمین و کاخ نشد. ▣

جلوگیری از اکران فیلم «زندان زنان» در کرج

هفته‌نامه یا لثارات – ۱آبان ۸۱

رئیس اداره ارشاد اسلامی شهرستان کرج علت جلوگیری از اکران این فیلم را حساسیت‌های موجود و تهدیدهای مخالفان این فیلم عنوان کرد و گفت: برای حفظ امنیت شهر، دستور جلوگیری از اکران این فیلم داده شده است. شورای تامین در روزهای گذشته اطلاعیه‌ای در شهرستان کرج در مخالفت با فیلم زندان زنان توزیع شده است. در این اطلاعیه که از طرف جمعی از نیروهای حزب‌اله نوشته شده آمده است: «در این فیلم برای اولین بار بعد از انقلاب بی‌حجابی زنان به طور کامل به نمایش گذاشته است».

در این اطلاعیه با اشاره به این که زندان زنان سه مقطع زمان ۷۹ – ۶۹ – ۱۳۶۲ را به تصویر کشیده، آمده است: «در این فیلم ضمن القای شکست ارزش‌های انقلاب در این مدت، همجنس‌بازی زنان زندانی به وضوح به تصویر کشیده است». در بخش دیگری از این اطلاعیه جمعی از نیروهای حزب‌اللهی شهرستان کرج با بیان این که فیلدریس، فیلم‌ساز انگلیسی سازنده فیلم پاسداران آیت‌الله مشاور شخصی خانم حکمت در ساخت فیلم زندان زنان بوده، اضافه شده است: به طور یقین نگاه به پرونده و سوابق خانم حکمت در زندان زنان اوین مانع از آن می‌شد که عزیزان فرهنگ و ارشاد اسلامی به راحتی نسبت به صدور مجوز ساخت و اکران این فیلم اقدام کنند.

باند انتقال دختران ایرانی به پاکستان

خبرگزاری ایسنا گزارش داد که یک گروه ۴ نفره که دختران جوان را با اغفال خانواده‌ها به عقد صوری خود درمی‌آوردند و سپس به پاکستان می‌بردند، دستگیر شدند. این گروه که اکثر آن‌ها غیرایرانی هستند با انجام خواستگاری‌های صوری، دختران ۱۲ تا ۲۰ سال را به عقد غیرقانونی خود درمی‌آوردند. سپس به بهانه معرفی آن‌ها به خانواده‌هایشان آن‌ها را به طرف زاهدان می‌بردند و در یک فرصت مناسب به طور غیرقانونی از مرزهای کشور خارج می‌کردند. این عده، دختران جوان را در پاکستان به تن‌فروشی مجبور کرده و از آنان بهره‌کشی جنسی می‌کردند.

بر اثر نابسامانی‌های اقتصادی، خانواده‌های بسیاری در ازای دریافت مبلغی پول دختران خود را به عقد مردان خواستگار و گاه ناشناخته درمی‌آوردند. تا بدین ترتیب هم یک تن از اعضا خانواده را کم کنند و هم پولی بدست آورند. در موارد زیادی مردانی که این دختران را خریده‌اند، از آن‌ها بهره‌کشی جنسی می‌کنند. چندی پیش در سایت زنان ایران سرگذشت زن جوان ۱۸ ساله‌ای را درج کرد، بودند که در ازای هفتصدهزار تومان توسط مردی افغانی از خانواده‌اش خریداری شده بود و مجبور بود که در عرض هفته خود را در اختیار هفت مرد افغانی که در خفا با هم قرار بسته بودند و هفتصد هزار تومان را تهیه کرده بودند، قرار دهد. ▣